

# تعریف سینمای دینی

مهرداد فرید - رضا سالک

## مقدمه

پژوهش «کنکاشی در سینمای دینی» به عنوان گامی در تنویر و سازای اندیشه سینمای دینی، با این نیت و هدف انجام شده است که هم مشتاقان، مسئولین و دست‌اندرکاران سینما با اندیشه‌ها و دیدگاه‌های موجود در خصوص «سینمای دینی» آشنا شوند و هم مسئولین فرهنگی نظام در تنظیم نظام‌نامه سینمای ایران از آن بهره‌گیرند.

این تحقیق در پی آن نیست تا همه آن چه که در خصوص «سینمای دینی» وجود دارد، مورد سنجش قرار دهد و مدعی هم نیست که تمامی اهالی سینما و صاحب‌نظران این عرصه را مورد افکارسنجی قرار داده است، ولی مدعی است با توجه به دقتی که در انتخاب نمونه آماری به کار رفته، می‌تواند با ارائه نتایج به دست آمده تصویری روشن از افکار حاکم بر سینمای ایران، عرضه کند و سیاستگذاران فرهنگی نظام را در برنامه‌ریزی آینده، یاری نماید.

آن چه در این مقاله به نگارش در آمده، گزارش قسمت دیگری از یک افکارسنجی از دست‌اندرکاران سینماست که نگارندگان، در بهمن ۱۳۷۵ به عمل در آورده‌اند.

این تحقیق با انگیزه دستیابی به اهداف زیر انجام گرفته است:

الف) امکان ایجاد سینمای دینی

ب) شرایط تحقق سینمایی دینی

ج) تعریف سینمای دینی

د) ویژگی‌های عمومی و اختصاصی سینمای دینی

ه) مفاد و موضوعات سینمای دینی

در شماره‌های پیشین امکان ایجاد سینمای دینی و شرایط تحقق آن مورد بررسی قرار گرفت. اینک بخش تعریف این سینما ارائه میشود:

در پرسشنامه مورد استفاده در این پژوهش تعداد شش گویه گنجانده شده بود که هر یک به نوعی درصد تعریف سینمای دینی برآمده بود. این گویه‌ها که هر یک از میان دیدگاه‌های موجود اهل نظر انتخاب شده، در کنار گویه‌های دیگر به نمونه جامعه آماری مورد مطالعه عرضه شد تا میزان موافقت و مخالفت آن‌ها درباره گویه‌ها به دست آید. در این مبحث به بررسی نتایج حاصله در خصوص این گویه‌ها می‌پردازیم.

۱- اولین گویه‌ای که اشاره به تعریفی خاص از سینمای دینی

دارد، عبارت است از این که:

«هر سینمایی که فاقد فحشا باشد، در جهت سینمای دینی گام برداشته است. یعنی در این سینما همه چیز غیر از فحشا می‌تواند باشد.»

این دیدگاه که یک استنباط ناقص و نادرست از آن جمله مشهور حضرت امام خمینی (ره) درباره سینماست (ما با سینما مخالف نیستیم، با فحشا مخالفیم) به اتفاق مورد مخالفت اهالی سینمای ایران قرار گرفته است. واضح است که این جمله مشهور امام خمینی (ره) صرفاً به عرصه‌های مجاز سینما اشاره دارد و ارتباطی به سینمای متعالی و دینی ندارد. برای درک کامل‌تر دیدگاه امام در خصوص سینما، می‌بایست به جملات دیگر ایشان درباره سینما مراجعه کرد.

به هر حال در خصوص این دیدگاه تنها ۲۳/۳ درصد از پاسخ‌دهندگان، اعلان موافقت کرده‌اند در حالی که ۵۵/۹ درصد از آن‌ها با این دیدگاه مخالفند و ۱۹/۹ درصد نیز به آن رأی خنثی داده‌اند. با توجه به میانگین نظرات پاسخ‌دهندگان که عدد ۲/۵۳ را نشان می‌دهد می‌توان پذیرفت که پاسخ‌دهندگان نسبت به این دیدگاه نظری خنثی که متمایل به مخالفت است دارند.

آزمون‌های به عمل آمده هیچ تفاوت معناداری را در میان گروه‌های متعدد پاسخ‌گویان نشان نمی‌دهد. به این ترتیب به نظر می‌رسد پاسخ‌دهندگان در خصوص نفی یا پذیرش این تعریف، وضعیتی مشابه دارند.

۲- گویه دومی که با برهان خلف به تعریف سینمای دینی می‌پردازد، بیان‌گر آن است که:

«سینمایی که از دین به منظور تبلیغ مقاصد سیاسی استفاده می‌کند، دینی نیست.» البته واضح است که این جمله تعریف جامعی ارائه نمی‌کند یعنی نمی‌توان عکس این جمله را مساوی با تعریف سینمای دینی تلقی کرد. اما به هر حال به خاطر مطرح بودن آن به عنوان یک تعریف، مورد بررسی این افکارسنجی قرار گرفته است.

۴۸/۱ درصد از پاسخ‌دهندگان نسبت به این گویه ابراز موافقت کرده‌اند در حالی که ۲۵/۲ درصد آنها با این گویه مخالفند و ۲۶/۷ درصد نسبت به آن رأی ممتنع دارند. میانگین نظرات پاسخ‌گویان به این گویه به طور کلی ۳/۴۳ است که این نشان دهنده رأی خنثایی است که متمایل به موافقت است. این گویه که از گویه‌های مورد اختلاف نظر در میان اهالی سینماست، مورد مخالفت نسبی آن

- کسانی که در بدنه دولت به نحوی شریان فکری سینمای ایران را به دست دارند، معتقدند که مجاز است از دین به منظور تبلیغ مقاصد سیاسی استفاده کنیم.
- نمی‌توان به طور شعاری، منتقدان و دارندگان مشاغل سینمایی یا مرتبط با سینما را تکفیر کرد و آن‌ها را متهم ساخت که با شعائر و احکام دینی عناد دارند. اتفاقاً بخش‌های پیشین این تحقیق ثابت می‌کند آن‌ها حتی بیش از ممیزی سینمای ایران حرمت دین را پاس می‌دارند.
- فیلم‌هایی که مبتنی بر این تعریف ساخته می‌شوند نه تنها منجر به خالی شدن سینماها می‌شوند که حتی آثار انزجار را بر مخاطبان به جای می‌گذارند.
- جمع‌بندی آراء و اندیشه‌های موجود در خصوص تعریف سینمای دینی ما را متقاعد می‌سازد که درخصوص این سینما تعریف متکی بر ایجاب و روشی که مورد اتفاق نظر جامعه آماری ما باشد وجود ندارد و بیش‌تر اتفاق نظرها بر تعاریفی اشاره دارد که جنبه نفی دارند.

می‌روند (۲/۱۸) با میانگین نظرات کسانی که دو هفته یک بار (۳/۵۹) و ماهی یک بار (۳/۶۴) به سینما می‌روند تفاوت معنادار دارد. به این ترتیب کسانی که به ندرت برای تماشای فیلم به سینما می‌روند با این گروه مخالفت ورزیده‌اند در حالی که آن دو گروه دیگر با این دیدگاه موافقت ضمنی داشته‌اند. یعنی این دو گروه نمی‌پذیرند که در سینمای ملقب به دین، از دین به عنوان وسیله‌ای برای تبلیغ مقاصد سیاسی استفاده شود. دلیل آن هم واضح است؛ این افراد به خاطر کثرت استفاده و تماشای سینمای ایران درک کامل تری از این دیدگاه و تبعات منفی وسیله قرار گرفتن دین و سینما برای سیاست، دارند.

بررسی‌های مشابه دیگری نشان می‌دهند در این باره میان گروه‌ها با سطوح مختلف تحصیلی نیز تفاوت معنادار وجود دارد. به این ترتیب که گروه دارای تحصیلات حوزوی (با میانگین ۲/۷۷) با سایر گروه‌ها (یعنی گروه دارای سطح تحصیلات کمتر از لیسانس با میانگین ۳/۵۷، گروه دارای تحصیلات برابر با لیسانس با میانگین ۳/۳۱) و گروه دارای تحصیلات بالاتر از لیسانس با میانگین ۳/۷۱) تفاوت معنادار دارد. هم‌چنین میان گروه دارای تحصیلات برابر با لیسانس و گروه دارای تحصیلات بالاتر از لیسانس نیز چنین تفاوتی مشهود است. به این ترتیب گروه دارای تحصیلات حوزوی و گروه دارای تحصیلات برابر با لیسانس درباره این دیدگاه نظری تقریباً خنثی دارند در حالی که سایر گروه‌ها با این عبارت کم و بیش موافق هستند. در این جا این سؤال باقی می‌ماند که چرا دارندگان تحصیلات حوزوی درخصوص وسیله قرار گرفتن دین در خدمت سیاست رأیی خنثا ابراز کرده‌اند؟

۳- گروهی سومی که سینمای دینی را از زاویه دیگری تعریف می‌کند شامل عبارت ذیل است:

«سینمای دینی نمی‌تواند فقط همان سینمای اسلامی باشد زیرا در این صورت کلاً وجود سینمای دینی در میان ملی غیرمسلمانان

گروهی قرار گرفته است که قبلاً" تحت عنوان طرفداران سیاست‌های انقباضی برای هنر و هنرمند، شناخته‌ایم. در حالی که گروه طرفدار سیاست‌های انبساطی از آن استقبال کرده‌اند. اتفاقاً" نتایج به دست آمده در خصوص این گروه این دو گروه را بیش‌تر معرفی کرده است.

نتایج این بررسی نشان می‌دهد کسانی که در گروه امور نظارتی و اجرایی سینما قرار دارند (با میانگین ۲/۵۴) با سایرین (با میانگین ۳/۵۲) اختلاف نظر معناداری دارند. به این ترتیب کسانی که در بدنه دولت به نحوی شریان فکری سینمای ایران را به دست دارند، معتقدند که مجاز است از دین به منظور تبلیغ مقاصد سیاسی استفاده کنیم. اما سایرین با چنین چیزی مخالفت ضمنی دارند. یکی از شگفت‌انگیزترین قسمت‌های این تحقیق همین است. یعنی درحالی که تصور عمومی آن است که ممیزی سینمای ایران به عنوان پاسداران حریم دین و دین‌داری، انجام وظیفه می‌کنند، آنان "دین" را به نوعی مستخدم سیاست می‌دانند. یعنی به نظر آنان دین یک وسیله است در خدمت مقاصد سیاسی! درحالی که حق آن است که سیاست در خدمت دین و دین‌داری باشد. بنابراین ممیزی سینمای ایران به عنوان نمایندگان یک حکومت دینی نه تلقی درستی از دین دارند و نه درک مناسبی از سینمای دینی. آیا با این وصف نمی‌توان نتیجه گرفت که عملاً" طی این سال‌ها (۷۳ تا ۷۶) در سینمای ایران، دین مذبح سیاست شده است. یعنی دین بهانه‌ای است برای رسیدن به مقاصد سیاسی خاص!

نکته جالب دیگر رأی سایر اهالی سینمای ایران است. این تحقیق نشان می‌دهد علی‌رغم تصور قالبی و غنایی، اهالی سینمای ایران دین‌دارترند و حریم و حرمت دین را دست کم بیش از اهالی ممیزی ایران پاس می‌دارند.

میانگین نظرات کسانی که سالی یک بار و کم‌تر به سینما

نفی می‌شود.»

۷۱/۲ درصد از پاسخ‌گویان نسبت به این دیدگاه، موافقت دارند. این در حالی است که ۱۲/۱ درصد به آن رأی خنثی داده و ۱۶/۶ درصد نیز با آن مخالفت ورزیده‌اند. میانگین کلی نظرات نیز برابر با عدد ۳/۷۶ است که این نشان‌دهنده موافقت عمومی با این دیدگاه است. بررسی‌های دیگر آماری که جداول آماری آن در فصل سوم این تحقیق ارائه می‌شود، نشان می‌دهد این گویه مورد استقبال گروه طرفدار سیاست‌های انبساطی است. آن‌ها از اسلام معنایی عام در نظر دارند و ادیان الهی دیگر را نیز در دایره "دین" قرار می‌دهند. برای همین نتیجه می‌گیرند سینمای دینی الزاماً برابر با سینمای اسلامی نیست. یعنی مجموعه فیلم‌های مذهبی که در کشورهای غیراسلامی ساخته می‌شود و در آن به ادیان سایر پیامبران الهی اشاره می‌کنند و یا فیلم‌هایی که بدون اشاره به مذهبی خاص، مفاهیم دینی را القا می‌کنند، می‌تواند متعلق به سینمای دینی باشند. اما در مقابل گروه طرفدار سیاست‌های انقباضی معنای خاص اسلام را پذیرفته‌اند و صرفاً فیلم‌هایی را دینی دانسته‌اند که اختصاصاً اشاره به دین مبین اسلام دارند.

براساس نتایج به دست آمده مشخص شد که گروه‌های دارای تحصیلات گوناگون، در مورد این گویه با یک دیگر تفاوت معنادار دارند. با این که تمام این گروه‌ها در مورد این گویه توافق دارند اما

کسانی که تحصیلات عالی‌تر از لیسانس دارند (با میانگین ۴/۱۱) با گروه دارای تحصیلات برابر با لیسانس (با میانگین ۳/۶۷) و گروه دارای تحصیلات کم‌تر از لیسانس (با میانگین ۳/۷۹) تفاوت معنادار دارند. این آزمون نشان می‌دهد که گروه دارندگان تحصیلات فوق لیسانس و دکترا بیش از سایرین بر صحت این گویه اصرار دارند. یعنی هرچه سطح تحصیلات بالاتر می‌رود اصرار بر صحت این دیدگاه بیش‌تر می‌شود. با این وصف اجتماع دارندگان مدارک بالای تحصیلی، بیش‌تر در گروه طرفدار سیاست‌های انبساطی است.

۴- چهارمین عبارتی که از زاویه‌ای دیگر قصد تعریف سینمای دینی را دارد چنین است:

«سینمای دینی، سینمایی است که تنها شاعران و احکام

دینی بر آن حاکم است.»

ساده‌انگارانه‌ترین تعریفی که می‌توان از آن یاد کرد همین است. این دیدگاه در راستای همان دیدگاهی است که در مبحث شرایط تحقق سینمای دینی آمده بود. در آن جا نیز اشاره شد عده‌ای تحقق سینمای دینی را مشروط به نمایش مستقیم احکام دینی می‌کنند. در خصوص آن گویه نیز نتایجی به دست آمده بود که اینک درباره این گویه بدست آمده است. یعنی در این جا نیز اهالی جامعه آماری متفقاً با این دیدگاه مخالفتند.

این دیدگاه با مخالفت ۷۱/۷ درصد از پاسخ‌گویان مواجه شده است. در حالی که تنها ۱۰/۸ درصد پاسخ‌گویان با آن موافق بوده و ۱۷/۴ درصد نیز رأی ممتنع داده‌اند. میانگین کلی برابر با عدد ۲/۱۷ نیز گویای مخالفت عمومی نمونه جامعه آماری با این دیدگاه است.

بررسی‌ها در خصوص بررسی تفاوت میانگین نظرات فعالان در عرصه‌های مختلف سینمایی نشان می‌دهد که منتقدان سینما با میانگین برابر ۱/۹۳ نسبت به سایرین با میانگین برابر با ۲/۳۴، تفاوت معنادار داشته و بیش از سایرین با این تعریف از سینمای دینی مخالفت می‌ورزند.

آزمون‌ها نشان می‌دهند کسانی که در مشاغل غیر سینمایی اشتغال دارند اما از دور دستی بر گردونه سینمای ایران دارند (با

میانگین ۲/۸۱) با کسانی که

مشاغل مرتبط با سینما دارند (با

میانگین ۱/۸۹) و کسانی که

مشاغل صرفاً سینمایی دارند (با

میانگین ۱/۸۸) تفاوت معنی‌دار

دارند. یعنی شاغلین در مشاغل

غیرسینمایی در این باره نظری

خنثی دارند در حالی که سایرین

با این دیدگاه کاملاً مخالفت

ورزیده‌اند. نمی‌توان به طور

شعاری، مستقدان و دارندگان

مشاغل سینمایی با مرتبط با

سینما را تکفیر کرد و آن‌ها را

متهم ساخت که با شاعران و احکام

دینی عناد دارند. اتفاقاً

بخش‌های پیشین این تحقیق

ثابت می‌کند آن‌ها حتی بیش از

ممیزی سینمای ایران حرمت دین

را پاس می‌دارند و بیش از همه به

امکان تحقق سینمای دینی ایمان

دارند. آن چه باید از این بررسی

نتیجه گرفت آن است که این عده

به خاطر تجربه و تخصصشان، به

آثار سوء چنین تعریفی بهتر از

## ● ممیزی سینمای ایران به عنوان نمایندگان یک حکومت دینی نه تلقی درستی از دین دارند و نه درک مناسبی از سینمای دینی.

● مجموعه فیلم‌های مذهبی که در کشورهای غیراسلامی ساخته می‌شود و در آن به ادیان سایر پیامبران الهی اشاره می‌کنند و یا فیلم‌هایی که بدون اشاره به مذهبی خاص، مفاهیم دینی را القا می‌کنند، می‌تواند متعلق به سینمای دینی باشند.

● عده‌ای تحقق سینمای دینی را مشروط به نمایش مستقیم احکام دینی می‌کنند.

همه واقفند. زیرا آن‌ها به تجربه دیده‌اند فیلم‌هایی که مبتنی بر این تعریف ساخته می‌شوند نه تنها منجر به خالی شدن سینماها می‌شوند که حتی آثار انزجار را بر مخاطبان به جای می‌گذارند. پس چنین دیدگاهی از سر بی‌دینی در این عده فراهم نشده بلکه از سر شناخت، تجربه و تخصص به دست آمده است. نتایج ذیل وجود عامل تخصص را در چنین دیدگاهی تأیید می‌کند.

آزمون‌های مشابه در مورد گروه‌ها با سطوح مختلف تحصیلی نشان می‌دهد؛ ضمن آن‌که همه این گروه‌ها با این گویه مخالف هستند اما گروه دارای تحصیلات فوق‌لیسانس و دکترها (با میانگین ۱/۹) ضمن ابراز شدیدترین مخالفت خود نسبت به این دیدگاه، با گروه دارای تحصیلات نازل‌تر از لیسانس (با میانگین ۲/۲۶) تفاوت معنادار دارند. زیرا گروه اخیرالذکر مخالفت خفیف‌تری با این گویه ابراز داشته‌اند.

۵- پنجمین گویه‌ای که در پرسشنامه به نوعی درصد تعریف سینمای دینی است عبارت است از:

«سینمایی دینی است که، ولو با نمایش گناه، تأثیر اخلاقی و دینی داشته باشد.»

یکی از بحث‌انگیزترین تعریفی که تاکنون درباره سینمای دینی ارائه شده همین است.

این دیدگاه با مخالفت ۳۰ درصد از پاسخ‌دهندگان مواجه شده است. در حالی که ۴۷/۷ درصد از آن‌ها با آن موافق بوده و ۲۲/۳ درصد نیز به آن رأی ممتنع داده‌اند. میانگین کلی نظرات که برابر با ۳/۲۲ است نشان می‌دهد که پاسخ‌دهندگان به طور کلی نسبت به این دیدگاه رأی ممتنع دارند. بررسی‌های دیگر وجود دو دستگی را در میان اهالی سینمای ایران تأیید می‌کند. این دو دسته همان دو گروه انقباضی و انبساطی‌اند. گروه انقباضی به دلیل پایبندی افراطی به پوسته دین این تعریف را نمی‌پذیرند درحالی که گروه انبساطی به دلیل تعلق خاطر به بطن دین و مفاهیم معنوی از این گویه استقبال کرده‌اند. شواهد دیگری که جلوتر به آن اشاره خواهد شد (مثل موضوع حجاب) نشان می‌دهد که گروه اول حتی دایره شریعت را تنگ‌تر از مراجع عظام می‌دانند و به اصطلاح کاتولیک‌تر از پاپ هستند. برای همین می‌توان گفت اصرار آن‌ها غیرشرعی است.

نتایج نشان می‌دهد کسانی که صرفاً در عرصه نقد فعالند با کسانی که در بدنه دولتی سینما به امور نظارت و ممیزی مشغولند اختلاف معنادار دارند. یعنی گروه اول با میانگین نظرات برابر با ۳/۵۲ نسبت به این دیدگاه تقریباً موافقت در حالی که گروه دوم با میانگین برابر با ۲ نسبت به این دیدگاه ابراز مخالفت کرده‌اند.

مشخص می‌شود که میان کسانی که امور نظارتی و ممیزی سینمای ایران را به عهده دارند با سایرین در این خصوص تفاوت معنادار وجود دارد. به این معنا که این گروه با میانگین نظرات برابر با ۲ معتقدند که حتی اگر نمایش گناه در سینما بر مخاطب تأثیر اخلاقی و دینی بگذارد، نمی‌توان آن را متعلق به سینمای دینی دانست در حالی که سایرین با میانگین نظرات ۳/۴ نسبت به این

موضوع نظری تقریباً موافق دارند.

همان‌طور که انتظار می‌رفت اهالی ممیزی به خاطر تعلقشان به گروه انقباضی مخالف این تعریف از سینمای دینی هستند. درحالی که سایر گروه‌ها، مثل گروه منتقدان، نسبت به این تعریف ابراز رضایت کرده‌اند.

ذکر این نکته مهم است که منظور از نمایش گناه الزماً برابر با صحنه‌های پرونوگرافی در فیلم‌ها نیست، می‌تواند نشان دادن مثلاً مشروبات الکلی، قتل، خودکشی و یا ده‌ها مورد دیگر باشد. از همین رو گستره تنگ‌نظری طرفداران سیاست‌های انقباضی بیش از پیش آشکار می‌شود.

۶- آخرین گویه اختصاص یافته به «تعریف سینمای دینی» که به نوعی سعی بر تعریف این سینما دارد چنین است: «سینمای دینی، سبک و شیوه خاصی دارد که آن را از انواع دیگر (ژنرهای مثل وسترن، جنایی، کمدی و...) جدا می‌سازد.»

۵۱/۸ درصد از پاسخ‌گویان نسبت به این دیدگاه رأی مخالف دارند، در حالی که تنها ۲۹/۹ درصد از آنان با این دیدگاه موافق بوده و ۱۸/۲ درصد رأی ممتنع دارند. با این وصف میانگین کلی نظرات ۲/۷۲ است. این بدان معناست که به طور کلی پاسخ‌دهندگان در این مورد نظری تقریباً مخالف دارند.

بررسی‌ها نشان می‌دهند آن‌ها که سطح تحصیلات کم‌تر از لیسانس دارند با سایر گروه‌های تحصیلی تفاوت معنادار دارند. به این ترتیب که این گروه با میانگین برابر ۳/۱ به این دیدگاه نگاهی خنثی دارند، در حالی که گروه دارای تحصیلات حوزوی (با میانگین ۲/۶) با این دیدگاه مخالفت ضمنی و تلویحی دارند و گروه دارای تحصیلات برابر با لیسانس و بالاتر (با میانگین ۲/۴) نسبت به این دیدگاه مخالفت صریح دارند. به این ترتیب گروهی که صاحب بالاترین سطح تحصیلات دانشگاهی است با این گویه بیش‌ترین مخالفت را دارد.

نتایج دیگری در این زمینه مؤید این نکته است که میان گروه منتقدان و سایرین در این زمینه تفاوت معنادار وجود دارد. به این ترتیب منتقدان (با میانگین ۲/۴) با این گویه مخالفت ورزیده‌اند در حالی که سایرین (با میانگین ۲/۹) نسبت به آن نظری خنثی دارند. جمع‌بندی آراء و اندیشه‌های موجود در خصوص تعریف

سینمای دینی ما را متقاعد می‌سازد که درخصوص این سینما تعریف متکی بر ایجاب و روشی که مورد اتفاق نظر جامعه آماری ما باشد وجود ندارد و بیش‌تر اتفاق نظرها بر تعاریفی اشاره دارد که جنبه نفی دارند. یعنی تعاریفی که می‌گویند سینمای دینی چنین "نیست" و نه تعاریفی که می‌گویند سینمای دینی چنین "هست". □